

سؤالات تستی:

۱. «متافیزیک» علمی است که فقط دربارهٔ بحث می‌کند. ب ۱۵۵
- ا. خدا و امور مجرد از ماده
- ب. موجود بما هو موجود
- ج. ماوراء الطبیعه
- د. ریاضیات و فلسفهٔ اولی
۲. کدام یک از موارد زیر به هیچ وجه اعتمادی به استدلال عقلی ندارد؟ ج ۱۷۷
- ا. فلسفی استدلالی مشائی
- ب. فلسفی اشراقی
- ج. سلوکی عرفانی
- د. استدلالی کلامی
۳. با توجه به «سفرهای چهار گانه»، صدر المتألهین، مباحث نفس و معاد را در کدام سیر قرار داده است؟ د ۱۸۳
- ا. سیر من الحق الی الخلق بالحق
- ب. سیر بالحق فی الحق
- ج. سیر من الخلق الی الحق
- د. سیر فی الخلق بالحق
۴. در فلسفه ارسطو تغییرات تدریجی و تغییرات دفعی نامیده می‌شود. ا ۲۰۹
- ا. حرکت - کون و فساد
- ب. کون و فساد - حرکت
- ج. صیوروت - حرکت
- د. حرکت - تکون

سؤالات تشریحی:

۱. «تعریف لفظی» و «تعریف حقیقی» را با ذکر مثال توضیح دهید. ۱۴۳
۱. اگر سؤال از معنا و مفهوم خود لفظ باشد پاسخی که به آن داده می‌شود تعریف لفظی خواهد بود و مثل اینکه در کتابی به لفظ «پوپک» برمی‌خوریم و معنی آن را نمی‌دانیم از دیگری می‌پرسیم که پوپک چیست؟ او در جواب می‌گوید: نام مرغی است.
۲. اگر سؤال از حقیقت معنا شود مثل انسان چیست؟ پاسخی که به آن داده می‌شود بیانگر تعریف حقیقی آن است.
۲. ا. در اصطلاح مسلمین «فلسفه نظری» چیست؟ ب. اقسام آن را فقط نام ببرید. ۱۴۹
- ا. فلسفه نظری آن است که دربارهٔ اشیاء آنچنان که هستند بحث می‌کند ب. اقسام آن عبارت است از: ۱. الاهیات. ۲. ریاضیات. ۳. طبیعیات.
۳. منظور از «فلسفه نقادی» چیست؟ ۱۶۰
- گروهی مانند کانت اعتقاد داشتند که قبل از هر چیز، تحقیق درباره معرفت و منشأ معرفت یعنی عقل لازم است و تحقیقات خود را فلسفه نقادی نام نهادند.
۴. تفاوت اصلی و جوهری «فلسفه اشراق» و «فلسفه مشاء» چیست؟ ۱۶۵
- در روش اشراقی برای تحقیق در مسایل فلسفی و مخصوصاً «حکمت الهی» تنها استدلال و تفکرات عقلی کافی نیست، سلوک قلبی و مجاهدات نفس و تصفیه آن نیز برای کشف حقایق ضروری و لازم است، اما در روش مشائی تکیه فقط بر استدلال است.

۵. نظریه «مُثَل» را که یکی از نظریات فلسفی افلاطون است توضیح دهید. ۱۷۱

طبق این نظریه آنچه در این جهان مشاهده می‌شود، اعم از جواهر و اعراض، اصل و حقیقتشان در جهان دیگر وجود دارد و افراد این جهان به منزله سایه‌ها و عکسهای حقایق آن جهان می‌باشند و مثل انسان‌ها که در این جهان زندگی می‌کنند دارای یک اصل و حقیقت در جهان دیگر هستند، افلاطون حقایق را «ایده» می‌نامد که در دوره اسلامی این کلمه «ایده» به «مثال» ترجمه شده است و مجموع آن حقایق «مُثَل افلاطون» خوانده می‌شود.

۶. ا. «حکمت جدلی» چیست؟ ب. توسط چه کسی علم کلام تحت الشعاع فلسفه واقع شد؟ ۱۸۴

ا. حکمت جدلی استدلالی است منتهی مقدمات استدلال در این حکم مشهورات و مقبولات واقع می‌شوند. (۱/۵ نمره)

ب. خواجه نصیر طوسی. (۰/۵ نمره)

۷. کدام یک از دو تقسیم زیر می‌تواند جزو تقسیمات اولیه هستی باشد و کدام یک نمی‌تواند؟ چرا؟ ۱۹۰

ا. وجود یا واجب است یا ممکن
ب. وجود یا سفید است یا سیاه

ا. از تقسیمات اولیه است چون تقسیم هستی از آن جهت که هستی است می‌باشد. ب. از تقسیمات اولیه نیست چون از انقسام موجود نیست بلکه از انقسامات آن بما هو متکم کمیت پذیر می‌باشد.

۸. دوگانگی میان وجود و ماهیت، ذهنی است یا خارجی؟ به چه دلیل؟ ۱۹۳

این دوگانگی ذهنی است؛ زیرا می‌دانیم در ظرف خارج، هر چیزی دو چیز نیست؛ پس یکی از این دو، عینی و اصیل است و دیگری اعتباری و غیر اصیل.

۹. مراد از دو عبارت «الشیء ما لم یجب لم یوجد» و «نظام حاکم بر جهان یک نظام جبری است» را توضیح دهید. ۲۲۵

عبارت اول: یعنی هر چیزی تا وجودش به مرحله وجود و ضرورت نرسد موجود نمی‌گردد. پس اگر چیزی که موجود شده و می‌شود به حکم ضرورت و وجود و در یک نظام قطعی و تخلف‌ناپذیر موجود می‌گردد پس نظام حاکم بر جهان و اشیاء یک نظام ضروری و جویی و تخلف‌ناپذیر است و این است مفاد اصطلاح فلسفه امروز که نظام حاکم بر جهان یک نظام جبری است. (عبارت دوم).